

A Jurisprudential Analysis of Creating Money from Nothing

✉ **Sayyid Hadi Arabi**  / Associate Professor, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom
sh.arabi@qom.ac.ir

Mehdi Khoshakhlagh / Ph.D. in Economics, University of Qom mahdikhoshakhlagh2@gmail.com

Saeed Farahanifard / Professor of Economic and Administrative Sciences, University of Qom

Received: 2024/09/15 - **Accepted:** 2024/11/02 saeed.farahanifard@gmail.com

Abstract

Internal money creation, which is the most important function of commercial banks, accounts for a large amount of liquidity. The inappropriate performance of banks in this field and the lack of close supervision by the Central Bank make internal money creation a main cause of creating liquidity and inflation. Providing reserves for internal money creation through the Central Bank's resources is the worst way for commercial banks to create money. Now large amounts of money are withdrawn from the Central Bank's resources regardless of religious concerns. Using an analytical-ijtihad method, this article analyzes and examines the jurisprudential issue of money creation from nothing. In this context, the question arises as to whether the creation of money from nothing, i.e creating money by commercial banks and securing its reserves by the central bank's resources, faces jurisprudential and religious restrictions. Based on the research findings, the creation of money does not comply with jurisprudential rules. The incompatibility of the creation of money from nothing with jurisprudential principles can be documented with regard to rules such as the rule of unjust possession and the rule of not disturbing the system.

Keywords: money, money creation, money creation from nothing, Islamic banking, jurisprudential examination.

JEL classification: P44, E51, P24.

تحلیل فقهی خلق پول از هیچ

sh.arabi@qom.ac.ir

mahdikhoshakhlagh2@gmail.com

saeed.farahanifard@gmail.com

سیدهادی عربی  / دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه قم

مهدی خوش اخلاق / دکتری علوم اقتصادی دانشگاه قم

سعید فراهانی فرد / استاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه قم

دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲

چکیده

خلق پول درونی مهم‌ترین عملکرد بانک‌های تجاری است که حجم زیادی از نقدینگی را به خود اختصاص می‌دهد. عملکرد نامناسب بانک‌ها در این زمینه و عدم نظارت دقیق بانک مرکزی بر این فرایند، آن را به یک منبع اصلی برای ایجاد نقدینگی و تورم تبدیل می‌کند. تأمین ذخایر خلق پول درونی توسط منابع بانک مرکزی، بدترین شیوه خلق پول توسط بانک‌های تجاری است. در شرایط فعلی برداشت از منابع بانک مرکزی با حجم زیاد و فارغ از دغدغه‌های شرعی در حال انجام است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی و اجتهادی به موضوع‌شناسی و بررسی فقهی خلق پول از هیچ می‌پردازیم. در این زمینه این سؤال مطرح است که آیا خلق پول از هیچ به معنای خلق پول توسط بانک‌های تجاری و تأمین ذخایر آن توسط منابع بانک مرکزی با محدودیت‌های فقهی و شرعی روبه‌روست؟ بر اساس یافته‌های مقاله، خلق پول با مقتضای قواعد فقهی مطابقت ندارد. ناسازگاری خلق پول از هیچ با مبانی فقهی را می‌توان با توجه به قواعدی همچون قاعده اکل مال به باطل و قاعده عدم اختلال در نظام مستند کرد.

کلیدواژه‌ها: پول، خلق پول، خلق پول از هیچ، بانکداری اسلامی، بررسی فقهی.

طبقه‌بندی JEL: P24.E51, P44

خلق پول روندی است که طی آن نقدینگی یک کشور یا منطقه پولی افزایش می‌یابد. خلق پول به صورت درونی و بیرونی است. خلق پول بیرونی یا افزایش پایه پولی (پول پر قدرت) توسط بانک مرکزی صورت می‌گیرد. نقدینگی ایجاد شده توسط بانک‌های تجاری، پول درونی یا پول بانکی نامیده می‌شود.

پرداخت تسهیلات توسط بانک‌ها، نقطه آغاز خلق پول بانکی و مسیر اصلی «افزایش نقدینگی» است. اگر این افزایش نقدینگی به درستی اتفاق بیفتد، منجر به رشد اقتصادی می‌شود و در غیر این صورت، نتایج مطلوبی نخواهد داشت.

خلق پول از هیچ اصطلاحی است که در ادبیات اقتصادی اخیر مورد توجه جدی قرار گرفته است. توجه ویژه به این فرایند در بین اقتصاددانان مسلمان نیز فراگیر شده است. برخی خلق پول از هیچ را بر مطلق خلق پول بدون پشتوانه دارایی به کار می‌برند، اما برخی دیگر نوع خاصی از خلق پول را که منجر به اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی است، به عنوان خلق پول از هیچ می‌دانند. اختلاف در توضیح خلق پول از هیچ و حکم فقهی آن انگیزه‌ای شد تا به تفصیل به بررسی این اصطلاح پرداخته شود. این مقاله خلق پول از هیچ را بر خلق پول منجر به اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی تطبیق خواهد داد.

خلق پول از هیچ به معنای خلق پولی که منجر به اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی است مورد انتقاد اکثر اقتصاددانان قرار گرفته است. در شرایط فعلی برداشت از منابع بانک مرکزی به راحتی و فارغ از دغدغه‌های شرعی در حال انجام است. تلاش می‌شود موضوع شناسی دقیقی از این فرایند صورت گرفته و با روش اجتهادی مرسوم مورد بررسی فقهی قرار گیرد. طبق ماده ۴۵ قانون جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران امکان اضافه برداشت برای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به نحوی محدود شده که اگر میزان اضافه برداشت یک بانک از منابع بانک مرکزی فقط ۴ روز متوالی از سقف هفتگی فراتر رود، معاون نظارت بانک مرکزی موظف به ارائه گزارش به رئیس و هیئت عالی بانک مرکزی است. هیئت عالی پس از استماع گزارش معاون نظارت، یا باید با پرداخت تسهیلات اضطراری (با سرسید ۳۰ روز) به مؤسسه اعتباری موافقت کند و یا باید رئیس کل را مکلف کند برای مؤسسه اعتباری هیئت سرپرستی موقت تعیین کند. به عبارت دیگر، اگر بانکی فقط ۴ روز از حدود تعیین شده اضافه برداشت کند، هیئت عالی می‌تواند مدیرعامل بانک را عزل کند.

در این مطالعه بعد از تبیین مبانی نظری به موضوع شناسی خلق پول از هیچ خواهیم پرداخت. خلق پولی که ذخایر آن از طریق اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی تأمین شود، با عنوان خلق پول از هیچ مورد بررسی قرار گرفته و دلایل اضافه برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی واکاوی می‌شود. تحلیل فقهی خلق پول منجر به اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی و تطبیق آن بر قاعده اکل مال به باطل و قاعده مصلحت اختلال نظام آخرین بخش مقاله را به خود اختصاص می‌دهد.

پیشینه پژوهش

خلق پول توسط بانک‌های تجاری موضوع پژوهش‌های متعددی قرار گرفته است. گروهی از پژوهش‌ها در خصوص خلق پول مخالف هرگونه خلق پول توسط بانک‌های تجاری در بانکداری اسلامی است و ایده بانکداری محدود را مطرح می‌کنند. این مطالعات شامل مواردی چون داوودی و محقق (۱۳۸۸)، حسینی دولت‌آبادی (۱۳۹۵)، احمد و اسماعیل (۲۰۱۷) و الجرحی (۲۰۰۴) است. محمودی‌نیا و دیگران (۱۴۰۰) معتقدند در نظام بانکداری متعارف خلق پول در بانک‌های تجاری، خلق پول از هیچ است و بانکداری ذخیره کامل، نقش مهمی در جهت‌دهی به یک وضعیت پایدار در اقتصاد خواهد داشت.

برخی مطالعات این پدیده را از منظر فقهی مورد بررسی قرار داده‌اند. انور (۲۰۰۰)، عالی‌پناه و تاج‌نگرودی (۱۳۹۶) و خوش‌نقش (۱۴۰۰)، خلق پول را مصداق اکل مال به باطل و غیرشرعی می‌دانند. اکبری و دیگران (۱۳۹۹) معتقدند خلق پول بر اساس قواعد عمومی بی‌اشکال به نظر می‌رسد. عربی و همکاران (۱۴۰۱) نشان می‌دهند که خلق پول در مسیر سالم آن مصداق اکل مال به باطل نیست. سوءمدیریت خلق پول و عدم رعایت قوانین و استانداردهای حاکم بر سلامت بانکی باعث شبهه حرمت فقهی خلق پول گردیده و ارتباطی به ماهیت این پدیده ندارد. کاظمی نجف‌آبادی و حاجی‌پور (۱۴۰۱)، خلق پول توسط بانک‌های خصوصی را مصداق قاعده ظلم می‌دانند. عیسوی (۱۴۰۲) خلق پول بانکی را مصداق اکل مال به باطل، ظلم، کلاهبرداری و مخالف مصالح نظام می‌داند.

در خصوص بررسی فقهی برداشت از منابع بانک مرکزی، موسویان و امیرعلی (۱۳۹۲) راهکار مشارکت مدنی مشروط را برای دریافت تسهیلات از بانک مرکزی پیشنهاد می‌کنند. میثمی (۱۳۹۷) راهکارهای رپوی اسلامی (توافق باخرید) و توزیع اسناد طلب بانک‌ها را برای حل چالش شرعی اضافه‌برداشت ارائه می‌کند.

در خصوص عوامل مؤثر بر تقاضای ذخایر بانک مرکزی، دهقان‌دهنوی و آرخلو (۱۳۹۶) نشان می‌دهند که سرمایه و نقدینگی بانک‌ها اثر منفی و معنادار و نسبت تسهیلات به سپرده اثر مثبت و معنادار بر میزان اتکا به منابع بانک مرکزی دارد. لاله‌گانی (۱۴۰۱) نشان می‌دهد تأثیر تسهیلات تکلیفی دولت و اندازه بانک‌ها، بر اضافه‌برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی مثبت و معنادار است.

از مقالات خارجی که به بررسی استفاده بانک‌های تجاری از ذخایر بانک مرکزی پرداخته‌اند، به دو مورد اشاره می‌شود: پونتوس (۲۰۲۱) تقاضای بانک‌های تجاری برای ذخایر بانک مرکزی را دو سیاست جایگزین، یعنی یک سیستم کریدور نرخ بهره با نقدینگی کمیاب و یک سیستم کف با نقدینگی فراوان مورد بررسی قرار می‌دهد. کوزولا و همکاران (۲۰۲۳) نحوه تأثیرگذاری چارچوب وثیقه بر نقدینگی بانک‌ها از طریق دسترسی مستقیم به منابع مالی بانک مرکزی را مورد بررسی قرار می‌دهند.

هرچند پژوهش‌های فوق به جنبه‌هایی از موضوع این مقاله ارتباط دارد، اما هنوز این سؤال مورد بررسی قرار نگرفته است که با فرض مشروعیت ماهیت خلق پول توسط بانک‌های تجاری آیا خلق پولی که منجر به تأمین ذخایر آن توسط منابع بانک مرکزی می‌گردد، با محدودیت‌های فقهی و شرعی روبه‌رو است؟

۱. مبانی نظری

شناخت صحیح پول کنونی به مثابه نهادی مدرن، مقدمه‌ای کلیدی برای ورود به حوزه اصلاح‌های پولی در جهت هدف‌های مطلوب اقتصاد اسلامی است (سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵، ص ۱۱۴). دولت مسئول سلامت پول است. پول‌های اعتباری ارزشمند هستند؛ زیرا دولت آنها را در وضعیت کمیابی نگه می‌دارد. نمی‌توان به بخش خصوصی اعتماد کرد تا پول را به نحو مناسبی مدیریت کند و در این زمینه می‌توان به دولت اعتماد بیشتری داشت. با این وجود در عمل تأمین عمومی پول همیشه تأمین‌کننده منافع عمومی نیست. دلیل این امر این است که غالباً و سوسه بزرگی از طرف منتشرکننده پول برای بهره‌برداری از موقعیت انحصاری خود برای ایجاد درآمد از ذخیره‌سازی مردم وجود دارد.

سیستم‌های پولی در اقتصادهای پیشرفته تکامل یافته و به یک کالای عمومی بزرگ تبدیل شده است که منافع بسیار وسیعی را تأمین می‌کند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: پول به عنوان یک کالای عمومی معرفی شده است که توسط نهادهای عمومی در فرایند استانداردسازی قیمت‌ها معرفی شده است (پاولینا آرچرنوا، ۲۰۱۶، ص ۵). بعضی دیگر پول را با عنوان یک کالای مشترک معرفی کرده‌اند. کالای مشترک در سطح نظام اقتصادی حاصل عملکرد مجموعه افراد و هنجارهای به کار گرفته شده در آن نظام است و کالاهای حاصل، مورد بهره‌برداری همه افراد جامعه قرار می‌گیرد و همگان در تولید و بهره‌برداری از آن مشارکت دارند (عیوضلو، ۱۳۸۷، ص ۴۳). صرف نظر از خصوصی یا عمومی بودن پول، حکمرانی مناسب پول که منجر به تأمین منافع و مصالح عمومی شود، امری ضروری است. بانک‌ها در خدمت کارکرد عمومی ایجاد و تخصیص پول هستند، اما مشخص نیست که بانکداران وقتی به حال خود رها می‌شوند این کارکرد را به گونه‌ای انجام دهند که رفاه جامعه افزایش یابد، حتی ممکن است به علت منافع شخصی باعث ایجاد اختلال در نظام اقتصادی گردند.

بانک مرکزی با هدف ممانعت از فشار ناشی از کمبود نقدینگی در مؤسسات مالی و رخدادهای ورشکستگی‌های نظام‌مند، امکانات و ابزارهایی را برای دسترسی مؤسسات مالی واجد شرایط به نقدینگی پشتیبان ایجاد می‌کند. تسهیلات قاعده‌مند مجموعه‌ای از ابزارهای مالی هستند که امکان قرض‌دهی و قرض‌گیری بسیار کوتاه‌مدت (شبانه) بین بانک مرکزی و بانک‌ها را فراهم می‌کنند. در برخی نظام‌های پولی مانند فدرال رزرو آمریکا از دریچه تنزیل برای تأمین مالی بانک‌ها استفاده می‌شود؛ به بانک‌های فعال در بازار پول کمک می‌کنند تا در صورتی که با چالش‌های موقت نقدینگی مواجه شدند، بتوانند نیاز خود را از بانک مرکزی برطرف کنند و در مقابل، در صورتی که در کوتاه‌مدت با مازاد منابع مواجه بودند، منابع خود را نزد بانک مرکزی سپرده‌گذاری کنند (بین‌دسیل، ۲۰۱۴، ص ۷۰). تسهیلات قاعده‌مند ظرفیت بالایی در هدایت غیردستوری نرخ‌های سود بازار بین‌بانکی دارند.

بانک‌ها برای استفاده از منابع بانک مرکزی نیازمند واسپاری اسناد و وثایق لازم برای تضمین بازپرداخت تسهیلات هستند. این اسناد و وثایق می‌تواند شامل اوراق بهادار دولت و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی، تسهیلات رهنی،

تسهیلات تجاری و مصرفی و سایر اسناد باشد. ویژگی مهم این وثایق نقدینگی بالا و ریسک پایین آنهاست. دریافت وثیقه بانک مرکزی را در برابر زبان‌های مالی محافظت می‌کند؛ چراکه اگر بانک مرکزی متحمل زیان‌های بسیار بزرگی شود، ممکن است اعتبار خود را در حفظ ثبات قیمت‌ها از دست بدهد (ساموئل چون، ۲۰۰۹م، ص ۵).

در ابتدا پنجرهٔ تنزیل به عنوان ابزار اصلی عملیات بانکداری مرکزی تلقی می‌شد که در آن بانک مرکزی وجوهی را به مؤسسات مالی نیازمند ارائه می‌داد. بعدها با استفاده از عملیات بازار که تبدیل به یک ابزار مسلط سیاست پولی گردید، نقش پنجرهٔ تنزیل به نقشی مکمل بدل شد و در پیچهٔ اطمینانی برای کمک به سبک شدن فشارهای نقدینگی غیرمنتظره بر روی مؤسسات مالی گردید.

در میان این ابزارها و شیوه‌ها، زمانی که یک بانک با کسری منابع مواجه است و به هر دلیل امکان استفاده از سایر گزینه‌ها مانند بازار بین بانکی، عملیات بازار باز و تسهیلات قاعده‌مند را ندارد، بانک مرکزی با فراهم نمودن امکان اضافه برداشت، از تشدید مشکلات نقدینگی بانک مذکور و تبدیل چالش نقدینگی کوتاه‌مدت به ناتوانی دائمی و ورشکستگی جلوگیری می‌کند (اکزبلرود، ۲۰۰۹م، ص ۱۲۱).

۲. موضوع‌شناسی خلق پول از هیچ

مهم‌ترین گام در بررسی فقهی خلق پول از هیچ به معنای خلق پولی که منجر به اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی می‌گردد، موضوع‌شناسی این اصطلاح پولی است. در این قسمت تلاش می‌شود موضوع‌شناسی دقیقی صورت گرفته تا مقدمهٔ بررسی فقهی قرار گیرد.

دو نهاد اصلی اقدام به خلق پول می‌کنند: بانک‌های تجاری و بانک مرکزی. یکی از اصطلاحاتی که در زمینهٔ خلق پول مورد استفاده زیادی قرار می‌گیرد، خلق پول از هیچ است و لازم است موضوع‌شناسی این اصطلاح صورت گرفته و منظور از آن تبیین گردد.

برای خلق پول از هیچ عبارت‌های دیگری نیز به کار می‌رود؛ از عملیات خلق پول توسط بانک‌ها به درخت جادویی پول یاد شده است که با یک حسابداری دوطرفه منجر به ایجاد پول می‌گردد. به عبارت دیگر، اینکه خلق پول درونی یا خلق اعتبار، عملیاتی بیش از چند ضربهٔ کلید نیست، به این باور منجر شده است که بانک‌ها از هیچ پول می‌سازند. برای مثال ورنر خلق پول را «فوت افسونگری» می‌داند که توسط بانک‌ها به صورت انفرادی «از خالاً (از هیچ)» تولید می‌شود (ورنر، ۲۰۱۴م، ص ۱). دیوید گریبر (۲۰۱۹) در نیویورک ریویو می‌نویسد: «در بریتانیا درختان جادویی پول زیادی وجود دارد که به آنها بانک می‌گویند». ژوئی ویلیامز (۲۰۱۷) در گاردین می‌نویسد: «پول از یک درخت جادویی به دست می‌آید، به این معنا که پول از هیچ ایجاد می‌شود». این تصور که پول بانکی به صورت از هیچ ایجاد می‌شود، بیانی است که پس از بحران مالی ۲۰۰۷ محبوبیت پیدا کرده است (نابا کومر آداک، ۲۰۱۷م). آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد این است که پول اعتباری از هیچ خلق می‌شود و به طور کلی ربطی به ایجاد پول با پشتوانهٔ ارز یا طلا ندارد.

درواقع هر فردی که سند بدهی‌اش مورد اعتماد عمومی قرار گیرد، خالق پول اعتباری خواهد بود که در حال حاضر دو نهاد «حاکمیت» با خلق پول بیرونی و نهاد «بانک» با خلق پول درونی این کار را انجام می‌دهند.

در حالی استفاده از عبارت خلق پول از هیچ در ادبیات بانکی کشورمان گسترش یافته است که منظور استفاده‌کنندگان از آن کاملاً روشن نیست. این عبارت بیشتر برای خلق پول توسط بانک‌های تجاری به کار می‌رود؛ هرچند ممکن است برای خلق پول بیرونی توسط بانک‌های مرکزی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

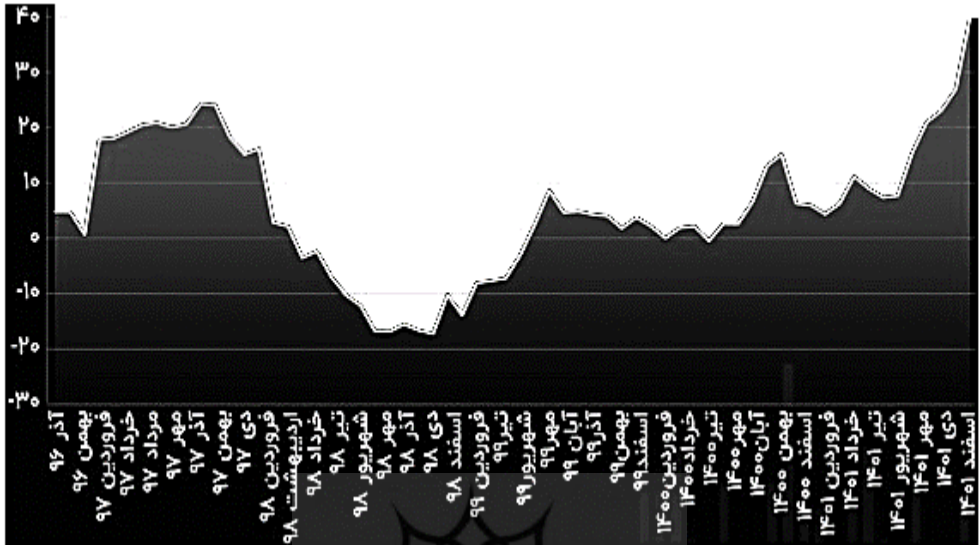
معنای اول: گاهی منظور از خلق پول از هیچ پرداخت تسهیلات بدون جذب سپرده به همان میزان است. بانک برای پرداخت تسهیلات از سپرده‌ها استفاده نمی‌کند، بلکه با وام‌دهی و سایر پرداخت‌های خود، سپرده‌ها را به وجود می‌آورد. به عبارت دیگر، این سپرده نیست که تبدیل به وام می‌شود، بلکه وام است که به سپرده تبدیل می‌شود. البته این به معنای بی‌اهمیت بودن سپرده‌ها برای بانک نیست.

خلق پول از هیچ به معنای پرداخت تسهیلات بدون هیچ‌گونه محدودیتی نیست. راه‌های مختلفی وجود دارد که توانایی بانک‌ها برای خلق پول از طریق وام‌دهی محدود می‌شود؛ به این معنا که ایده خلق پول بی‌حدوحصر که توسط تصویر «درخت جادویی پول» ایجاد شده است، ناقص است. اگر بانک‌ها واقعاً می‌توانستند از هیچ پولی خلق کنند؛ چرا در هنگامی که در معرض ورشکستگی قرار می‌گیرند باید آنها را نجات دهیم؟ این تصور که بانک‌ها از هیچ پول خلق می‌کنند، هم گمراه‌کننده است و هم از نظر ارزش اسمی اشتباه است. بانک‌ها به واسطه قدرت خلق پول شروع به تسهیلات دهی می‌کنند و مهار آنها از دو طریق نظارت بانک مرکزی و نرخ بهره در اقتصاد انجام می‌شود.

نقدینگی ایجادشده توسط شبکه بانکی، پایه پولی لازم را به صورت درون‌زا ایجاد خواهد کرد. اگر بانک مرکزی از طریق عملیات بازار باز به صورت پیشینی ذخایر غیراستقراری در اختیار شبکه بانکی قرار دهد، ذخایر لازم برای تودیع سپرده قانونی خلق پول خواهد شد. اما اگر به هر دلیلی بانک مرکزی پایه پولی متناسب با رشد نقدینگی را در اختیار قرار ندهد (تزریق پایه پولی را از طریق عملیات بازار باز انجام ندهد)، علاوه بر فشار افزایشی بر نرخ بهره بین‌بانکی، عملاً شبکه بانکی از طریق ذخایر استقراری (اضافه‌برداشت)، وجوه لازم برای تودیع سپرده قانونی و تسویه وجوه بین‌بانکی را تأمین خواهد کرد.

معنای دوم: گاهی منظور از خلق پول از هیچ پرداخت تسهیلات بدون جذب سپرده اولیه برای ذخیره قانونی یا احتیاطی آن است. به عبارت دیگر، بانک ابتدا با پرداخت تسهیلات اقدام به خلق اعتبار می‌کند و سپس از طریق بازار بین‌بانکی، استقراض از بانک مرکزی یا روش‌های دیگر به دنبال جذب این ذخایر می‌رود. در حال حاضر قواعد موجود پولی، بانک‌ها را در جایگاه کنشگر فعال و بانک مرکزی را عاملی منفعل در تعیین حجم پول ساخته است. اعطای تسهیلات بانکی و تأمین ذخایر از منابع بانک مرکزی باعث افزایش پایه پولی است. نمودار (۱) نشان‌دهنده سهم بالایی بدهی بانک‌ها در رشد پایه پولی است.

نمودار ۱: روند سهم خالص بدهی بانک‌ها در رشد پایه پولی



(منبع: اکو ایران، ۲۸ تیر ۱۴۰۲)

آنچه در این مقاله به‌عنوان خلق پول از هیچ مورد بررسی قرار می‌گیرد، خلق پولی است که ذخایر قانونی و احتیاطی آن از طریق استقراض از بانک مرکزی یا همان اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی تأمین می‌گردد. در ادامه فرایند اضافه‌برداشت، آثار و دلایل آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تبیین موضوعی اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی (ذخایر استقراضی)

چنانچه گذشت دو معنا برای خلق پول از هیچ وجود دارد. این مقاله نوعی از خلق پول که منجر به اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی می‌شود را به‌عنوان خلق پول از هیچ معرفی می‌کند. لازم است موضوع اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی به صورت دقیقی مورد تبیین قرار گیرد.

نظام بانکی دارای رشد بالایی اعتبارات در بعضی از دوره‌هاست، به‌گونه‌ای که نسبت مصارف به منابع افزایش قابل توجهی داشته است. در این شرایط تأمین کسری منابع نیازمند افزایش استقراض بانک‌ها از بانک مرکزی بوده و باعث افزایش پایه پولی می‌گردد. به‌علاوه افزایش مصارف بانک منجر به افزایش مطالبات غیرجاری و افزایش دارایی‌های ثابت بانک گردیده است. در نتیجه کیفیت دارایی‌های بانکی کاهش و انجماد دارایی‌ها افزایش یافته است. از طرفی بی‌ثباتی مالی، بروز محدودیت‌های اعتباری و سرایت آثار آن به بخش حقیقی اقتصاد را در پی دارد (هادیان و درگاهی، ۱۳۹۶، ص ۴۷).

زمانی که بانک‌ها در پاسخگویی به برداشت‌های مردمی و یا انتقال بین‌بانکی وجوه دچار مشکل می‌شوند، مجبور به اضافه‌برداشت از بانک مرکزی می‌شوند. به عبارت دیگر، هر جا که بانک‌ها با مضیقۀ پولی مواجه شوند، خواستار

دریافت منابع از بانک مرکزی می‌شوند. این اضافه‌برداشت به بدهی بانک به بانک مرکزی تبدیل می‌شود که سبب افزایش پایه پولی، افزایش نقدینگی و تورم در کشور خواهد شد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اضافه‌برداشت بانک‌ها را با جریمه ۳۴٪ محاسبه می‌کند تا بانک‌ها به‌سادگی به این شیوه اقدام به تأمین منابع مورد نیاز نکنند. اما این سود بالا نیز مانع از برداشت اضافی بانک‌ها از بانک مرکزی نشده است.

اضافه‌برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی، بدترین شیوه افزایش پایه پولی است. اضافه‌برداشت حاصل عدم تزریق منابع به روش درست به اقتصاد است. اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی نشان‌دهنده نیاز اقتصاد به نقدینگی است. این نیاز باید به صورت فعالانه توسط بانک مرکزی تأمین گردد. درحالی‌که اضافه‌برداشت بانک از منابع بانک مرکزی نشان‌دهنده عرضه منفعلانه پایه پولی است. به‌طور مثال بانک مرکزی برای تزریق نقدینگی به صورت فعالانه از اوراق در دست بانک‌ها استفاده کند. یکی دیگر از روش‌های فعالانه تزریق نقدینگی در نظام بانکی، خط اعتباری برای مصارف مشخص با اولویت پروژه‌های بزرگ مقیاس و پیشران اقتصادی است.

اضافه‌برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی باعث افزایش پایه پولی است. افزایش پایه پولی با قدرت ضریب فزاینده پولی بدون افزایش کالا و خدمات موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم می‌شود. افزایش سطح عمومی قیمت‌ها نوعی مالیات پنهان است که اقشار با درآمد ثابت پرداخت می‌کنند.

بانک با خلق پول درونی بدون وجود ذخایر کافی که منجر به اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی است، باعث افزایش پایه پولی می‌گردد. بنابراین هرچند به نظر می‌رسد افزایش پایه پولی در اختیار بانک مرکزی است؛ اما با امکان اضافه‌برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی کنترل پایه پولی از مدیریت بانک مرکزی خارج خواهد شد. این افزایش در پایه پولی ضریب فزاینده که در اینجا معکوس نرخ ذخیره قانونی فرض شده است، حجم نقدینگی را افزایش خواهد داد. افزایش نقدینگی می‌تواند باعث ایجاد تورم گردد.

قبل از بررسی خلق پول منجر به اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی لازم است به این نکته پرداخته شود که علت اضافه‌برداشت بانک‌ها چیست؟ خلق پول بانکی منجر به اضافه‌برداشت عوامل متعددی دارد که در این قسمت به این عوامل پرداخته می‌شود.

۱. سلطه مالی دولت

سلطه مالی (Fiscal Dominance) به وضعیتی گفته می‌شود که بخش مالی دولت الزامی به برقراری توازن بین مخارج و درآمدهای مالیاتی خود ندارد و بخش پولی باید طوری عمل کند که منابع و مصارف بخش دولتی متوازن شود (والش، ۲۰۲۰م، ص ۱۴۳). یکی از وجوه سلطه مالی دخالت ناکارآمد دولت در تسهیلات بانک‌های تجاری است. به‌عنوان مثال در ایران بنگاه‌های بزرگ توان تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری بخش دولتی را داشته و بانک‌ها را ناچار به اعطای تسهیلات به آنها می‌کنند. یا اینکه دولت برای رفع معضل مسکن به بانک‌ها فشار ایجاد نماید که تسهیلات

اعطا نمایند؛ درحالی که اعطای این تسهیلات با اصول بانکداری و هزینه - فایده اقتصادی سازگار نیست. مورد دیگر اینکه دولت برای پایین نگه داشتن قیمت برخی کالاها مثل برق، شرکت‌های تولید و توزیع برق را دچار زیان می‌کند و بانک‌ها را ناچار به امهال مطالبات آنها می‌نماید.

فشار به بانک‌ها برای تسهیلات‌دهی و مشارکت در طرح‌های مختلف ممکن است منجر به استقراض بانک از بانک مرکزی گردد. همچنین در برخی موارد اجبار بانک به پرداخت تسهیلات تکلیفی از عواملی است که منجر به خلق پولی می‌گردد که اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی را به همراه دارد.

دولت به جای استقراض مستقیم از بانک مرکزی، منابع موردنیاز خود را از شرکت‌های دولتی قرض می‌گیرد و شرکت‌های دولتی نیز این مبلغ را از بانک‌ها وام می‌گیرند و بانک‌ها نیز مجبورند برای رفع نیاز این شرکت‌ها، از بانک مرکزی استقراض کنند.

بر اساس ماده ۵۶ لایحه برنامه هفتم توسعه و در قالب فصل سوم با عنوان مهار پایدار تورم، وظایف و مأموریت‌های جدیدی برای اصلاح ناترازی بانک‌ها و اصلاح ساختار نظام بانکی در نظر گرفته شده است.

در بند «د» لایحه برنامه هفتم توسعه آمده است که هرگونه تکلیف جدید به نظام بانکی مبنی بر پرداخت تسهیلات، بخشش سود، جرایم و وجه التزام، تهاوت بدهی بانکی اشخاص و انتقال بدهی دولت به بانک مرکزی ممنوع است. همچنین پرداخت تسهیلات تکلیفی، صرفاً بر پایه قوانین دائمی موجود و در چارچوب نرخ سود و سقف مصوب شورای پول و اعتبار مجاز است. در رابطه تسهیلات با نرخ ترجیحی، تأمین مابه‌التفاوت یارانه سود در قوانین بودجه سنواتی ضروری است. بنابراین انتظار می‌رود در آینده خلق پول به این منظور وجود نداشته باشد.

۲. پرداخت سود بی‌مبنا

عدم تناسب بین سود پرداختی به سپرده‌ها و سود واقعی کسب‌وکارها از دیگر عوامل انحراف در نظام پولی است. در کشورهای کمتر توسعه یافته و به خصوص در بافت اقتصادهای مبتنی بر اضافه‌برداشت، درون‌زایی پول و نرخ بهره به‌طور هم‌زمان رخ می‌دهد. در این حالت در کنار عدم توان کنترل نرخ بهره هدف از سوی سیاست‌گذار و در نتیجه عدم توان اثرگذاری بر نرخ بهره سپرده بانکی، در زمانی که نقش بانک‌ها به‌عنوان خالق پول برای بخش نامولد پربازده در اقتصاد پررنگ می‌گردد، ظهور نرخ‌های بهره بانکی بسیار بالاتر از بازدهی تولیدکنندگان واقعی و بسیار پایین‌تر از بازدهی بخش نامولد اقتصاد و متمایز از روند نرخ بهره سیاستی، موجب ایجاد آشفتنی در اقتصاد می‌گردند (فعال نصیری و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۱۸۲).

سیاست پولی مدرن در چارچوب هدف‌گذاری تورم انتظاری از طریق افزایش نرخ بهره باعث کاهش مخارج کل اقتصاد و لذا کاهش تورم می‌شود. اما در اقتصاد ایران، دولت با استفاده از منابع بانک مرکزی و خلق پول بیرونی به افزایش نرخ سود بی‌توجه است؛ چراکه تورم، نرخ سود حقیقی و مقدار حقیقی بدهی او را کاهش می‌دهد. به‌علاوه در

شرایط نهادی کنونی از افزایش نرخ سود جلوگیری می‌کند و بالاخره خلق نقدینگی توسط بانک‌ها بدون کنترل ریسک در شرایط کژمنشی گسترده بانک‌ها، نرخ بهره را به ابزاری ناتوان برای جلوگیری از خلق نقدینگی تبدیل کرده است. سود بسیار پایین‌تر از بخش واقعی و به عبارت دیگر، سرکوب مالی به‌عنوان نیرویی مؤثر در بروز بحران بانکی معرفی می‌شود. در نتیجه تسهیلات بانکی به بخش‌هایی اختصاص یافته که بازدهی و در نتیجه قدرت بازپرداخت کمتری دارند و لذا منجر به مطالبات غیرجاری می‌شود؛ وضع نرخ‌های دستوری، بانک را ناچار به سرمایه‌گذاری مستقیم و اصطلاحاً بنگاهداری کرده و مقدمات انجماد دارایی‌های بانک‌ها را فراهم می‌کند (درویدیان، ۱۴۰۰، ص ۲۹). حتی پایین بودن نرخ جریمه بانک مرکزی از نرخ سوددهی به علت شرایط تورمی شدید منجر به اضافه‌برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی است.

در نظام سرکوب مالی و نرخ سود دستوری، افزایش پایه پولی در راستای منافع بانک است. زمانی که بانک منافع‌اش را در پرداخت تسهیلات، خرید ملک یا بنگاه اقتصادی ارزیابی کند، سپرده‌ها را ایجاد می‌کند. در این شرایط اگر اضافه‌برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی با مانع مهمی روبه‌رو نباشد، خلق پول برای بانک‌ها قطعاً سودآور خواهد بود. با ورود بانک‌ها به سرمایه‌گذاری در بازار دارایی‌ها به علت افزایش نقدینگی و افزایش تقاضا در بازار آن دارایی منجر به افزایش قیمت دارایی گردیده و شوک قیمتی اتفاق خواهد افتاد. این افزایش قیمت همواره بالاتر از نرخ جریمه‌ای است که به بانک مرکزی پرداخت خواهد شد. اتفاقی که در چند سال اخیر با آن مواجه بوده‌ایم.

به‌علاوه ممکن است پرداخت بهره بالاتر از سود واقعی اقتصاد باعث خلق پول برای پرداخت بهره در برخی از دوره‌های زمانی گردد. این کار به‌منزله خلق بدهی بدون مابازای دارایی است. قدرت خلق پول نیز بانک‌ها را قادر می‌کند بدون حصول درآمد واقعی، به تأدیه دیون خود به‌ویژه پرداخت بهره بی‌منا ادامه دهند.

لازم به ذکر است متغیرهای تسهیلات اعطایی و سوددهی از رابطه علیت دوطرفه با استقراض از بانک مرکزی برخوردارند و بانک‌ها در یک چرخه دوطرفه، از یک سو به‌منظور اعطای تسهیلات بیشتر و سود خالص بالاتر، به سراغ افزایش استقراض از بانک مرکزی می‌روند و از سوی دیگر، همین افزایش سطح ارائه تسهیلات و سطوح بالاتر سود خالص، مجوز و عاملی برای استقراض بیشتر از بانک مرکزی خواهد شد. این استقراض مستقیماً بر پایه پولی می‌افزاید و نرخ‌های قیمتی را دچار اختلال می‌کند؛ درحالی که بانک‌ها امکان استفاده از منابع دیگر برای تأمین مالی را نیز در اختیار دارند و برای نمونه می‌توانند نیازهای احتمالی خود را از بازار بین‌بانکی تأمین کنند (قائمی اصل و قربانی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳).

۳. دارایی‌های منجمد

دارایی‌های منجمد و غیرمولد شبکه بانکی، آن دسته از دارایی‌های است که قابلیت درآمدزایی عملیاتی در چرخه فعالیت‌های اصلی بانک را نداشته باشد. وجود این دارایی‌ها، قدرت وام‌دهی را کم می‌کند و بانک نمی‌تواند بر وظیفه اصلی خود تمرکز کند. این دارایی‌ها شامل مطالبات غیرجاری، بنگاهداری، املاک و مستغلات و نیز

مطالبات از دولت است. دارایی‌های منجمد باعث کاهش نسبت پوشش نقدینگی بانک گردیده و یکی از عوامل اضافه‌برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی انجماد دارایی‌هاست.

انجماد دارایی‌ها سلامت نظام بانکی را تهدید می‌کند و ریسک نقدینگی بانک را افزایش می‌دهد. این نوع دارایی‌ها توان نقدینگی بانک را کاهش می‌دهد و حتی ممکن است باعث ورشکستگی بانک شود. به دلیل ضعف نظارت بانک مرکزی، بانک‌ها خود مستقیماً اقدام به سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات کرده‌اند و از اهداف اصلی خود بازمانده‌اند. نکته قابل توجه شناسایی سود از طریق بیش‌ارزش‌گذاری این املاک و فروش صوری آنها به یکدیگر توسط بانک‌هاست. در چنین شرایطی سیستم بانکی قدرت محدودی برای اجابت تقاضای نقدینگی داشته و برای تأمین نقدینگی به سراغ منابع بانک مرکزی خواهد رفت.

۴. داریی‌های موهومی

بانک‌ها در شرایطی که ضعف نظارت وجود دارد به جهت عدم شفافیت جزئیات فعالیت و امکان تغییر سریع ترکیب دارایی‌ها، قادر به ساختن دارایی‌های موهومی هستند. شناخته‌شده‌ترین این روش‌ها استمهال مطالبات معوق یا غیرقابل وصول است؛ به این معنا که در صورت عدم بازپرداخت وام توسط یک مشتری، بانک می‌تواند بدهی وی را امهال کرده و آن را به‌عنوان وام جدید در سمت دارایی ثبت کند؛ درحالی که مشتری مذکور امکان بازپرداخت مبلغ اولیه کمتر را نیز نداشته است. روش مرسوم دیگر بیش‌ارزش‌گذاری دارایی‌های ثابت و سرمایه‌گذاری‌های بانک است؛ به این معنا که بانک به‌واسطه معاملات صوری با یکدیگر یا با شرکت‌های زیرمجموعه خود ارزش دفتری مستغلات خود را چندین برابر ارزش بازاری آنها ثبت می‌نماید.

انباشت دارایی‌های موهوم و منجمد در سمت دارایی‌های ترازنامه سیستم بانکی، جریان نقدینگی نامناسی را ایجاد می‌کند که تا حدی تحت تأثیر دارایی‌های موهوم نظام بانکی قرار می‌گیرد و به آن نقدینگی نامطلوب می‌گویند. این وضعیت نشان‌دهنده این واقعیت است که ترازنامه نظام بانکی از نظر مالی و اقتصادی نامتعادل است و اگر این ترازنامه‌ها متعادل به نظر می‌رسند، صرفاً به علت به‌کارگیری روش‌های غلط حسابداری است (زمانزاده و بدری، ۲۰۱۶م، ص ۱۷۳). این شرایط باعث می‌شود بانک در زمان نیاز به نقدینگی، منابع را از طریق اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی تأمین نماید.

۵. تسهیلات کلان و تسهیلات اشخاص مرتبط

دلیل دیگر افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی پرداخت تسهیلات کلانی است که بانک‌ها به اشخاص مرتبط پرداخت می‌کنند. یکی از مهم‌ترین بخش‌های تسهیلات پرداختی توسط بانک‌ها، «تسهیلات کلان و تسهیلات اشخاص مرتبط» است.

اشخاص مرتبط اشخاص حقیقی و حقوقی هستند که به نحوی از انحا نظیر داشتن روابط شخصی، مالکیتی، مدیریتی و نظارتی بتوانند به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم بر تصمیم‌گیری‌های مؤسسه اعتباری اعمال کنترل نموده و

یا نفوذ قابل ملاحظه‌ای داشته باشند، به‌گونه‌ای که مؤسسه اعتباری را تبدیل به منبع تأمین مالی ترجیحی خود نموده و بدین ترتیب منافع مؤسسه اعتباری، تحت‌الشعاع منافع اشخاص مذکور قرار گیرد. بر اساس ماده ۴ آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط، بانک مجاز است در مجموع حداکثر تا ۴۰ درصد سرمایه پایه به اشخاص مرتبط تسهیلات بدهد، اما ممکن است این ماده به عناوین مختلف رعایت نشود.

تسهیلات کلان و تسهیلات اشخاص مرتبط به دلیل ارقام قابل توجه و دخیل بودن ارتباطات و چانه‌زنی‌ها در آن، امکان انحراف بالایی دارد. درواقع پرداخت نامتعارف تسهیلات کلان یا تسهیلات اشخاص مرتبط، به صورت رانتی یا غیرقانونی، از مسیرهای اصلی بروز تخلف و فساد در نظام بانکی بوده و بیشترین حجم انحراف و ناکارآمدی در تخصیص منابع و اعتبارات بانکی را شامل می‌شود. پرداخت تسهیلات کلان به تعداد محدودی از مشتریان، ریسک تمرکز تسهیلات و در نتیجه ریسک اعتباری شبکه بانکی را افزایش داده و مخاطرات متعددی را در پی دارد (گزارش کمیسیون اصل ۹۰). افزایش ریسک نقدینگی بانک و تأمین منابع از طریق اضافه‌برداشت یکی از آثار این انحراف بانک است.

تسهیلات کلان بانک‌ها به شرکت‌های زیرمجموعه خود بانک نیز در همین راستاست. این موضوع در بانک‌های خصوصی بیش از سایرین رخ می‌دهد. چنین وام‌هایی معمولاً با ریسک‌های بسیار بالا توسط بانک‌های خصوصی پرداخت می‌شوند، به‌طوری که از همان ابتدا نسبت به بازپرداخت آنها تردید وجود دارد. این وام‌ها با آسیب زدن به منابع بانک‌ها، آنها را مجبور به اضافه‌برداشت از بانک مرکزی می‌کند.

۳. بررسی فقهی خلق پول از هیچ

ماهیت فرایند خلق پول توسط بانک‌های تجاری موضوع پژوهش‌های فقهی متعددی قرار گرفته است. همان‌طور که در پیشینه تحقیق گذشت هرچند برخی معتقدند این فرایند مطابق با مبانی فقهی نیست، اما برخی دیگر نشان داده‌اند که این فرایند در مسیر سالم آن مخالف با قواعد فقهی نیست، به‌طوری که اگر انحرافی در این فرایند صورت نگیرد نمی‌توان آن را موضوع حرمت شرعی دانست (عربی و دیگران، ۱۴۰۱). یکی از انحرافات مهم در ماهیت خلق پول، انجام این فرایند به‌گونه‌ای است که منجر به اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی گردد.

چنانچه گذشت در این مقاله منظور از خلق پول از هیچ، خلق پولی است که منجر به اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی گردد. در این قسمت به بررسی فقهی این نوع از خلق پول خواهیم پرداخت. به عبارت دیگر، به بررسی این نکته می‌پردازیم که آیا خلق پولی که منجر به اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی می‌گردد، همان حکم ماهیت خلق پول بانکی را دارد یا اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی باعث تفاوت حکم فقهی آن گردیده و آن را مشمول حکم حرمت قرار خواهد داد؟ آیا نظام بانکی می‌تواند بدون مانع فقهی اقدام به خلق پول نماید و از طریق اضافه‌برداشت ذخایر لازم برای خلق پول را تأمین نماید؟

خلق پولی که منجر به اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی است و نوعی انحراف از مسیر صحیح خلق پول به حساب می‌آید، در معرض اشکالات فقهی متعددی قرار دارد که به آنها پرداخته خواهد شد.

الف) تطبیق با قاعده اکل مال به باطل

اکل مال به باطل، تصرف در مال به دست آمده از راه نامشروع است. این قاعده برگرفته از آیات قرآن است. این قاعده می تواند اشاره به سبب باطل (اموال خود را با اسباب باطل تصرف و تملک نکنید) یا عوض باطل (عوض بی ارزش) باشد. در اینجا اکل مال به باطل به سبب باطل اشاره دارد.

خلق پول بانکی که منجر به اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی و افزایش پایه پولی گردد را در دو صورت می توان تحت قاعده اکل مال به باطل قرار داد:

۱. همان طور که گذشت پول اعتباری کالای کاملاً خصوصی نیست و خلق آن نیز به صورت انحصاری در اختیار حاکمیت پولی قرار دارد. قوانین پولی و بانکی به بانک ها اجازه داده است که با رعایت مقررات بانک مرکزی اقدام به خلق پول نمایند. به عبارت دیگر، قسمتی از این اختیار به بانک های تجاری تفویض شده است. چنانچه بانک تجاری بدون رعایت چارچوب های تفویض شده اقدام به خلق پول نماید، از اختیاراتی که بانک مرکزی در خلق پول اعتباری به بانک تفویض نموده تخلف نموده و این عمل باطل است. بنابراین پولی که توسط بانک تجاری خلق شده در ملکیت بانک قرار نمی گیرد و مصداق تصرف در اموال دیگران خواهد بود. هرگونه تصرف در اموال دیگران از غیر طریق صحیح و تمام معاملاتی که هدف صحیحی را تعقیب نمی کند، مشمول آیه اکل مال به باطل قرار می گیرد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳).

به علاوه دریافت جریمه توسط بانک مرکزی از بانک تجاری مصداق اکل مال به باطل است. فرایند دریافت منابع بانک مرکزی و پرداخت اضافه به صورت سود یا جریمه مطابق با مبانی فقهی قرار ندارد. در این صورت اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی به دلیل آنکه سبب باطل است، مصداق اکل مال به باطل قرار می گیرد.

میشمی (۱۳۹۷) نشان می دهد که ماهیت حقوقی و فقهی اضافه برداشت بانک ها از بانک مرکزی روشن نبوده و شبهه ربای قرضی در رابطه با مازاد پرداختی قابل تصور است. ایشان احتمالات گوناگونی را در رابطه با ماهیت حقوقی و فقهی اضافه برداشت مطرح می کند که چهار مورد از مهم ترین آنها عبارت اند از: وجه التزام، جریمه تأخیر تأدیه، تعزیر مالی و خسارت تأخیر تأدیه. با این حال هریک از این رویکردها را با چالش های مهمی مواجه می داند. در نهایت قرارداد ربوی اسلامی و تنزیل اسناد طلب بانک ها را پیشنهاد می کند.

راهکار ربوی اسلامی نمی تواند راهکار مناسبی برای اضافه برداشت بانک ها قرار گیرد. اگر بانک دارای اوراق مالی باشد در بازار بین بانکی یا بازار عملیات بازار باز از آنها استفاده کرده و نیازی به اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی ندارد. راهکار تنزیل مجدد نیز منوط به ارائه اسناد طلب بانک ها است و بهتر است راهکار درجه تنزیل مجدد بانک مرکزی به صورت هدفمند فعال شود. بنابراین در شرایط فعلی برای روند اضافه برداشت هیچ گونه قراردادی تنظیم نشده است و این فرایند با حرمت فقهی روبه رو است و تحت عنوان اکل مال به باطل قرار می گیرد. لازم به ذکر است بررسی فقهی اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی نوشتار مجزایی را می طلبد.

۲. اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی مخالف با قوانین است و تخلف از قوانین و کسب درآمد از آن مصداق قاعده اکل مال به باطل است.

برخی از فقها کسب درآمد از طریق غیرقانونی را نامشروع می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۱۹۵). بنابر فتوای این فقها اگر خلق پول در شرایطی انجام گیرد که تخلف از قوانین و مقررات صورت گیرد، عمل نادرست است؛ بنابراین درآمدی که بانک از این طریق به دست می‌آورد تحت قاعده اکل مال به باطل قرار می‌گیرد. همچنین اصل حقوقی «هیچ کس نباید از عمل خلاف خویش سود ببرد» نیز از قاعده حرمت اکل مال به باطل قابل استنباط است؛ چراکه سود بردن از عمل خلاف قانون اکل مال به باطل محسوب می‌شود. اگر عمل خلاف را رفتاری قابل اجتناب که به روشنی ناکارآمد بوده و ضرری بیش از سود به جامعه تحمیل می‌کند در نظر گرفت، تحقق کارایی ایجاب می‌کند که به استناد اصل تناسب هزینه فایده از فعالیتی که هزینه‌اش از سودش بیشتر است جلوگیری شود (کسنوی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۹).

بانک‌های تجاری تنها در شرایطی اجازه خلق پول درونی خواهند داشت که در چارچوب قوانین و دستورالعمل‌های بانک مرکزی عمل نمایند. تخلف از قوانین بانک مرکزی تجاوز از دایره تفویض قلمداد می‌گردد. تخلف از دایره اختیاراتی که برای بانک در خلق پول تعیین شده است، عملی باطل و درآمد حاصل از آن را مصداق اکل مال به باطل قرار خواهد داد.

کسری در سامانه تسویه بین‌بانکی یا کسری در ذخیره قانونی یک بانک به عنوان اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی محاسبه خواهد شد. به بانک‌ها اجازه داده شده است در صورت کسری از منابع بانک مرکزی استفاده نمایند. در برنامه هفتم توسعه محدودیت ارائه وثیقه برای برداشت از منابع بانک مرکزی ایجاد شده است. اما قوانین محدوده‌کننده دیگری وجود دارد که در صورت عمل به آنها نیاز بانک به اضافه برداشت قطعاً به میزان فعلی نیست و کاهش قابل توجهی خواهد داشت.

پرداخت تسهیلات کلان به شرکت‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط بیش از میزان مشخص شده در آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط، برخلاف قوانین پولی است. انجماد دارایی‌های بانک و دارایی با نقدشوندگی پایین با میزان بالا در ترازنامه بانک مخالف دستورالعمل مدیریت ریسک نقدینگی مؤسسات اعتباری است. نسبت پوشش نقدینگی یا LCR یکی از الزامات بازل ۳ برای بانک‌هاست که آنها را ملزم می‌کند به میزانی دارایی‌های نقد با کیفیت در نزد خود نگهداری کنند که ۱۰۰٪ جریان نقد خروجی بحرانی ۳۰ روز آینده را پوشش دهد.

وجود دارایی‌های موهومی در ترازنامه نیز تخلف صریح بانک یا مؤسسه اعتباری است. به عبارت دیگر، منشأ اصلی خلق پول از هیچ و اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی در برخی موارد ناشی از تخلفات صریح بانک‌ها و در برخی موارد دیگر ناشی از عدم اجرای دستورالعمل‌های بانک مرکزی است.

خلق پول بر اساس ترازنامه بانک با این‌گونه تخلفات از آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، این فرایند را مصداق اکل مال به باطل قرار می‌دهد.

ب) تطبیق با قاعده اختلال نظام

این قاعده از احکام مهمی است که حکم به بسیاری از واجبات و نواهی در امور عبادی و معاملاتی به آن بستگی دارد. مفاد این قاعده حرمت اختلال در نظام و وجوب حفظ آن است. این قاعده مستند به ادله معتبر فقهی و عقلی است؛ زیرا حفظ نظام اجتماعی دارای مصلحت حتمی است و در مقابل، اختلال نظام مفسده حتمی دارد. شارع، هم در شیوه قانون گذاری و هم در نفس قوانین موضوعه خود بر حفظ نظام امور مردم اهتمام داشته است (خورسندیان و شرعی، ۱۳۹۵، ص ۹۹).

اختلال در نظام اقتصادی یکی از قواعد مهم در سیاست گذاری اقتصادی و پولی است. این قاعده در پدیده خلق پول نیز اجرا می گردد. مهم ترین مانعی که می تواند مشروعیت فقهی خلق پول بانکی منجر به اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی را متزلزل سازد، تطبیق این فرایند با اختلال در نظام اقتصادی است.

بانک در تعیین حجم خلق پول سودآوری این فرایند را در نظر می گیرد، درحالی که ممکن است فرایند خلق پول توسط بانک منطبق با منافع اجتماعی نباشد؛ بنابراین بانک مرکزی در بازار دخالت کرده و نقشی فراتر از آخرین مرجع را در بازار پول ایفا می کند.

خلق پول منجر به اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی تهدیدی برای منافع و مصالح کلان جامعه در حکومت اسلامی است. این فرایند باعث افزایش پایه پولی و ایجاد تورم است. تورم در روایات مذموم و باعث سوء رفتار و اخلاق مردم معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۷۵). با توجه به اثرات نامطلوبی که تورم بر افزایش بی عدالتی در جامعه، افزایش ریسک سرمایه گذاری، افزایش فعالیت های سفته بازانه در بازار برخی دارایی ها (مانند طلا، ارز و مسکن)، کاهش تولید در بلندمدت و غیره دارد؛ واضح و بدیهی است که در نظام اقتصادی اسلام، عاملی که باعث ایجاد تورم شدید شود به تدریج اختلال جدی در نظام اقتصادی به همراه خواهد آورد.

از طرف دیگر، یکی از مهم ترین عوامل تأثیر گذاری سیاست های پولی فعال بودن بانک مرکزی در بازار پول است. اضافه برداشت بانک ها از منابع بانک مرکزی، این نهاد را در حالت انفعال قرار خواهد داد؛ بنابراین بانک مرکزی نمی تواند اهداف نظام پولی اسلامی را دنبال نماید. به عبارت دیگر، پول به عنوان یک کالای اجتماعی به جای اینکه در خدمت منافع جامعه اسلامی قرار گیرد، منافع بانک را تأمین خواهد کرد و نظام پولی را با اختلال همراه خواهد نمود.

در پاسخ به این سؤال که آیا خلق پولی که منجر به اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی است موجب اختلال نظام پولی است یا خیر؟ بایستی به علت های اضافه برداشت بانک ها نیز پرداخت. همان طور که گذشت گاهی تسهیلات تکلیفی دولت بر بانک ها منجر به خلق پول و اضافه برداشت بانک از منابع بانک مرکزی است. در این حالت نمی توان عمل بانک را موضوع حرمت شرعی دانست؛ چراکه پرداخت تسهیلات تکلیفی و اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی به دستور حاکمیت صورت گرفته است. با توجه به برنامه هفتم توسعه انتظار می رود فشار دولت بر بانک ها برای پرداخت تسهیلات تکلیفی حذف گردد.

غیر از تسهیلات تکلیفی، موارد دیگری که منجر به اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی می‌گردد، نمی‌تواند منفعی برای جامعه به همراه داشته باشد. اضافه‌برداشت به علت سوددهی این فرایند برای بانک یا پرداخت تسهیلات به شرکت‌های زیرمجموعه و اشخاص مرتبط هیچ تناسبی با اهداف نظام اقتصادی اسلامی نظام ندارد و خلق پول را به ابزاری برای منافع بانک تبدیل می‌کند. اضافه‌برداشت به علت عواملی مانند انجماد دارایی‌های بانک، دارایی‌های موهومی، مطالبات معوق و مشکوک‌الوصول و دارایی با نقدشوندگی پایین که ناشی از مدیریت ضعیف بانک است نیز باید با نظارت بانک مرکزی برطرف گردیده و مطابق با مصلحت نظام اسلامی باشد.

هرچند برخی اختلال در نظام را به‌عنوان یک قاعده فقهی مطرح کرده‌اند (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۱۱)؛ اما برخی دیگر مصلحت نظام را به‌عنوان یک معیار برای احکام در فقه شیعه عنوان می‌نمایند. عنصر مصلحت از گذشته‌های دور تا به امروز همواره در فقه شیعه مطرح بوده است و علمای شیعه در ابواب گوناگون فقه به آن اشاره کرده‌اند و مخصوصاً در احکام حکومتی و احکام مربوط به ولایات، مصلحت از نقش مهمی برخوردار بوده است (باقرزاده مشکیفاف، ۱۳۸۴، ص ۶۳). مصلحت در سه محور قابلیت اجرا دارد: آنچه مربوط به حفظ نظام و حکومت اسلامی است؛ حفظ نظم جامعه و آنچه مربوط به تعارض اهم و مهم است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۱). هرچند این دو مفهوم تقارب معنایی زیادی با یکدیگر دارند.

از مجموع مطالب فوق مشخص می‌گردد اضافه‌برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی از دو جهت موجب اختلال در نظام اقتصادی است: از یک طرف با افزایش پایه پولی موجب تورم گردیده و از طرف دیگر، اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی حاکمیت پولی را در حالت انفعال قرار خواهد داد.

به‌واسطه همین اختلالات در نظام پولی و اقتصادی در قانون جدید بانک مرکزی موادی در جهت جلوگیری از اضافه‌برداشت منابع بانک مرکزی گنجانده شد. با توجه به این قانون امید می‌رود روند اضافه‌برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی محدودیت جدی پیدا کند.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار خلق پول از هیج مورد بررسی فقهی قرار گرفت. منظور از خلق پول از هیج، خلق پولی است که منجر به اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی است.

مقاله نشان داد خلق پول منجر به اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی مشروعیت فقهی ندارد. این فرایند مصداق قاعده اکل مال به باطل است. دلیل اول آنکه هیچ قراردادی برای این برداشت وجود ندارد و مصداق قرض به شرط اضافه است. به‌علاوه برداشت از منابع بانک مرکزی نتیجه عدم رعایت دستورالعمل‌های بانک مرکزی است؛ بنابراین بانک تخلف کرده و اضافه‌برداشت نتیجه یک فرایند غیرقانونی است.

دلیل مهم دیگر، عدم مشروعیت خلق پول منجر به اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی، ناسازگاری این فرایند با قاعده اختلال مصلحت نظام است. افزایش استقراض بانک‌ها از بانک مرکزی منجر به بروز تورم بیشتر می‌شود و تورم آثار منفی متعددی در جامعه ایجاد خواهد کرد.

بنابراین لازم است سیاست‌گذار پولی با افزایش نظارت و به منظور حفاظت از منافع عمومی و رعایت اصول فقهی از افزایش استقراض سیستم بانکی از بانک مرکزی که منجر به افزایش پایه پولی می‌شود جلوگیری کند. از طرف دیگر، بانک‌های تجاری با توجه به عدم مشروعیت خلق پولی که منجر به اضافه‌برداشت از منابع بانک مرکزی است از بروز این پدیده خودداری نمایند.

نکته پایانی آنکه نرخ جریمه ۳۴ درصدی نمی‌تواند به‌تنهایی کارایی لازم برای کنترل اضافه‌برداشت بانک‌ها را به‌همراه داشته باشد؛ علاوه بر اینکه ممکن است منجر به تشدید ناترازی شبکه بانکی گردد. شرط وثیقه‌گذاری برای اضافه‌برداشت نیز بانک مرکزی را با انبوهی از دارایی‌ها مواجه خواهد کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اکبری، محمود و دیگران (۱۳۹۹). ابعاد اقتصادی - فقهی پدیده خلق پول از منظر بانکداری اسلامی. پژوهش‌نامه میان‌رشته‌ای فقهی، ۱۶، ۱۳۵-۱۶۴.
- باقرزاده مشکباف، محمدتقی (۱۳۸۴). عناصر تعیین‌کننده در حل مسائل مستحدثه ۱، فقه، ۴۳، ۴۹-۱۰۶.
- حسینی دولت‌آبادی، سیدمهدی (۱۳۹۵). ماهیت بانک و دلالت‌های آن برای مطالعات بانکداری اسلامی. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۶، ۱۷۳-۱۹۸.
- خوش‌نقش، هادی (۱۴۰۰). خلق پول از دیدگاه امامیه و با نگاهی به قوانین موضوعه. جستارهای فقهی و اصولی، ۲۲، ۵۸-۹۶.
- خوردستانیان، محمدعلی و شرعی، الهام (۱۳۹۵). مبانی قاعده نفی اختلال نظام در فقه اسلامی و حقوق موضوعه. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۴۹، ۸۳-۱۰۴.
- داوودی، پرویز و محقق، محمدجواد (۱۳۸۸). بانکداری محدود. جستارهای اقتصادی، ۱۰، ۹۳-۱۱۳.
- درویدیان، حسین (۱۴۰۰). معماران پول: روایتی نو از نقش بانک‌ها در خلق پول امروز به همراه تحلیلی جامع از تحولات پولی کشور. تهران: نهادگر.
- دهقان دهنوی، محمدعلی و بدلی آرخلو، آی‌ناز (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر اتکای بانک‌ها به منابع بانک مرکزی با استفاده از روش GMM فصلنامه مطالعاتی در مدیریت بانکی و بانکداری اسلامی. ۵، ۱۱۵-۱۳۳.
- سبحانی، حسن و درویدیان، حسین (۱۳۹۵). ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به‌وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۴۴، ۳۱-۵۴.
- عالی‌پناه، علیرضا و تاج لنگرودی، محمدحسن (۱۳۹۶). بررسی فقهی خلق پول به‌وسیله بانک‌های تجاری. پژوهش‌نامه فقه اجتماعی، ۱۰، ۶۵-۹۴.
- عربی، سیدهای و دیگران (۱۴۰۱). بررسی فقهی خلق پول درونی با تأکید بر قاعده اکل مال به باطل. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۸۸، ۳۵-۶۱.
- عیسوی، محمود (۱۴۰۲). بررسی فقهی و اقتصادی پدیده خلق پول. اقتصاد اسلامی، ۹۰، ۲۳-۳۶.
- عیب‌ضلو، حسین (۱۳۸۷). اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۲۹، ۳۵-۶۲.
- فعال نصیری، محمدرضا و دیگران (۱۴۰۱). سازوکار اثرگذاری عوامل اقتصادی بر حجم سپرده بانکی در نظام بانکی ایران (آزمون درون‌زایی پول در مقابل برون‌زایی پول). فصلنامه اقتصاد مالی، ۵۹، ۱۷۹-۲۰۰.
- قائم‌اصل، مهدی و قربانی، علیرضا (۱۳۹۶). بررسی رابطه میان استقراض از بانک مرکزی و متغیرهای برگزیده درون بانکی در ایران: کاربرد علیت دومترسکیو - هارلین در پانل‌های ناهمگن. مدل‌سازی اقتصادسنجی، ۷، ۱۰۷-۱۲۹.
- کاظمی نجف‌آبادی، مصطفی و حاجی‌پور، یاسر (۱۴۰۱). تحلیل فقهی خلق پول بانک خصوصی از منظر عدالت و ظلم. جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی، ۴۸، ۱۴۳-۱۶۷.
- کسنوی، شادی (۱۳۹۶). بررسی قاعده فقهی «حرمت اکل مال به باطل» از دریچه حقوق و اقتصاد. فقه و اصول، ۱۱۱، ۱۱۱-۱۳۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- سیفی مازندرانی، علی‌اکبر (۱۴۲۵ق). مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقہیة الأساسیة، قم: جامعه مدرسین.
- لله‌گانی، اسماعیل (۱۴۰۲). تأثیر تسهیلات تکلیفی دولت بر اضافه‌برداری بانک‌ها از منابع بانک مرکزی. فصلنامه مطالعاتی در مدیریت بانکی و بانکداری اسلامی، ۲۱، ۱-۱۲.

- محمودی‌نیا، داود، حسینی کندلجی، میرهادی و برهانی، لیلا (۱۴۰۰). تبیین مفهوم خلق پول از هیچ در نظام بانکداری متعارف و حرکت به سمت بانکداری اصل ذخیره کامل: کاربردی از مدل سازگار جریان - سهام. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۳۳-۸۰.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق). *استفتائات جدید*، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- موسویان، سیدعباس و امیرعلی، محمد (۱۳۹۱). راهکار اعطای تسهیلات بانک مرکزی به بانک‌های تجاری در بانکداری اسلامی، *اقتصاد اسلامی*، ۴۶، ۱۲۳-۱۵۲.
- میشمی، حسین (۱۳۹۷). ماهیت حقوقی اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی در بانکداری اسلامی، ۷۲، ۱۲۱-۱۴۹.
- هادیان، مهدی، درگاهی، حسن (۱۳۹۶). نقش سیاست‌های اقتصاد کلان در ثبات مالی اقتصاد ایران. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۸۳، ۴۵-۸۲.
- Al-jarhi, Mabid Ali Mohamed (2004). Remedy for Banking Crises: What Chicago and Islam Have in Common: A Comment. *Islamic Economic Studies*, Vol. 11(2), p23-43.
- Anwar, Muhammad (2000). *Islamicity of Banking and Models of Islamic banking*. Arab Law Quarterly.
- Axilrod, S. (2009). Inside the Fed. Cambridge: The MIT Press.
- Badri, Ahmad, Zamanzadeh, Hamid (2016). The Role of Unbalanced Balance Sheet of Banking System in Creating the Puzzle of Interest Rate, Inflation and Liquidity Growth: Evidence from Iran, *Journal of Money and Economy*.
- Cuzzola, Angelo & Claudio Barbieri & Ulrich Bindseil, How the central bank collateral framework shapes the outcomes of liquidity stress test models, The European Money and Finance Forum.
- Naba Kumar Adak (2017). Banks Cannot Either Multiply or Increase the Amount of Money or Create Deposits Without Backing of Matching Reserve; Only Central Bank Creates Money, Proceedings of International Academic Conferences 5808261, *International Institute of Social and Economic Sciences*.
- Pontus Åberg, Marco Corsi, Vincent Grossmann (2021). Demand for central bank reserves and monetary policy implementation frameworks: the case of the Eurosystem., european central bank
- Tcherneva, Pavlina R (2016). Money, Power, and Monetary Regimes, Levy Economics Institute of Bard College.
- Werner, Richard A (2014). Can banks individually create money out of nothing? The theories and the empirical evidence. *International Review of Financial Analysis*, 36 (1), P 1-19
- Walsh, C. E. (2010). *Monetary Theory and Policy*. Cambridge, MA: MIT Press Books
- Zuriyati, Ahmad & Abdul Ghafar Ismail (2017). Full reserve system and the Maqasid Shariah; Islamic Development Bank, Jeddah, Saudi Arabia.
- Cheun, Samuel, von Köppen-Mertes, Isabel (2009). Weller, Benedict. The collateral frameworks of the Eurosystem, the Federal Reserve System and the Bank of England and the financial market turmoil. ECB Occasional Paper No. 107
- Bindseil, U. (2014). *Monetary policy operations and the financial system*. London: Oxford University Press.